

رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور: اتحاد جامعه کارگری و بازنشستگان برای گرفتن حق مسئولان محترم مدیریت زندگی با ماهی ۵ تا ۷ میلیون را تشریح کنند



حسن صادقی: نمایندگان کارگران اگر با رفتارهای سال قبل مواجه شدند در جلسه تعیین دستمزد شرکت نکنند

صفحه ۵
جدیدترین روش جراحی بازسازی
لیگامان صلیبی قدامی توسط دکتر
محمدتقی خسروانی مقدم جراح و
ارتوپد نمونه ادوار مختلف کشوری
در بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش
صورت گرفت

صفحه ۸ و ۶
تقاضای وام برای خرید برنج و سنگ قبر
اوضاع بازنشستگان خیلی بد است؟!
امیدمان به آیت الله است!

صفحه ۷
علل ناترازی صندوق های بازنشستگی
مطالبات تامین اجتماعی از دولت
۷۰۰ هزار میلیارد تومان تا ۲۵۰۰
هزار میلیارد!

صفحه ۲
آقای اقتصاددان! آقای دانشگاه رفقه!
عامل تورم دستمزد کارگر
نیست؛ این شماست که تورم را
هستید!

صفحه ۳
بزرگترین مانع پیش روسلیقه ای عمل
کردن به قانون است اگرخواهیم مانع
دیگری را متصور شویم خودمان آنرا
ساخته ایم!

صفحه ۴
به دلیل يك دهه عقب ماندگی از تورم و
به اضافه ۲ سال آخر دولت احمدی نژاد،
کپ ایجاد شده بین افزایش حقوق
وتورم را نتوانستیم پرکنیم

نگاه اول سید مجتبی قریشیان - سردبیر

سنگ بزرگ علامت نژدن؟!



به گفته یکی از نمایندگان عزیز کارگر در شورایی عالی کار وزارت اقتصاد پیشنهادی را مطرح کرده است مبنی تعیین دستمزد ملی و پایه براساس ضریب توسعه هر استان. که رقم دستمزد برپایه توسعه هر استان افزایش یابد! باللعجب! درجلساتی که با اضافه کردن یک درصد دستمزد به نفع کارگر مخالفت می کنید. و به هر شیوه ای ماهیت ماده ۴۱ قانون کار را نمی پذیرید و اعتراض کارگران و بازنشستگان شنیده نمی شود چگونه است که پیشنهاد تعیین دستمزد ملی در دستور کار قرار می گیرد قطعاً و منطقاً این موضوع پیچیده نیاز به بررسی بیشتر و ساعت ها کارشناسی دارد اکنون که ایام بحث و بررسی دستمزد سال ۴۰۳ فرا رسید موضوعاتی جانبی را مطرح می کنید که باعث حیرت است. اکثر قریب به اتفاق فعالین و صاحب نظران جامعه کارگری و حتی تشکل های کارفرمایی شیوه کنونی تعیین دستمزد را قبول دارند و کارشناسان خبره دولتی بردست بودن آن اجماع دارند اگر دوستان فکر می کنید، راهکار دیگری باید جست اکنون زمان آن نیست. ماجماعت کارگر و بازنشسته هیچ چیزی فراتر از آنچه که قانون برای ما تعیین کرده نمی خواهیم. چرا ازواقعی کردن دستمزد ها و اجرای قانون در این خصوص طفره می روید. یک روز قول کنترل و کاهش تورم را دادند و جماعتی را سر کار گذاشتند، وعده دادند که اگر به حقوق کارکنان دولت اضافه شود حقوق کارگران و بازنشستگان را اضافه خواهیم کرد که نکردند تورم کنترل و مهار نشد این اسب سرکش ولجام گسیخته و یاغی چارنعل و شتابان به پیش می رود ودمار از روزگار قشر کارگر و بازنشسته و حقوق بگیر درآورده این قشر شریف و نجیبی که بنا به مدد سیاست های شما جزء اقشار آسیب پذیر و ضعیف جامعه قرار گرفته اند و در اداره زندگی بومیه و تامین حداقل نیازهای خود، درمانده شده اند. به حقوق کارکنان خودتان اضافه می کنید ولی از دادن حق مسلم کارگران و بازنشستگان امتناع می کنید چرا خالف وعده می کنید. یاد آوری میشود که وفای به عهد هم شرعی است هم عقلی است و هم منطقی است و هم قانونی است. لطفاً به عهد خود وفا کنید. خبرها حاکی از این است که در جلسات شورایی کار سخن از ساخت مسکن و حل مشکل مسکن کارگران می زید. شما که در ادای حق و حقوق قانونی کارگران که وظیفه تعیین شده شما در قانون است و بسیار کم هزینه تر از تهیه مسکن برای کارگران است طفره می روید و حاضر نیستید آن را ادا کنید. چگونه و با چه منابع و توانی سخن از ساخت مسکن و حل مشکل پیچیده مسکن کارگران می زید و قولی را می دهید که قادر به اجرای آن نیستید در اینجا به یاد این مثل درست قدیمی افتادم که سنگ بزرگ علامت نژدن است. لطفاً سنگ بزرگ برنارید ما نگران سلامتی شما هستیم ازواقعی کردن دستمزدها ترسید و طفره نروید. ساخت و حل مشکل مسکن کارگران پیش کش.

یادداشتی از دکتر علی حیدری

از جیب کارگران به جیب دولت

اختصاصی و مشخصی هم برای پرداخت و تادیه مطالبات بیمه ای جاری و معوقه سازمان تامین اجتماعی از دولت در بودجه ملحوظ نظر قرار نگرفته است. این درحالی است که عدالت در بهره مندی از منابع عمومی ایجاب می کرد که مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی هم همانند مابقی بازنشستگان کارمندی بطور سرانه برابر از اعتبارات و کمک های دولتی و عمومی بهره مند گردند. و در حداقل شرایط انتظار میرفت اگر دولت اعتباری از منابع عمومی برای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی نمی دهد حداقل بخشی از بدهی های معوقه و سنواتی خود به سازمان تامین اجتماعی را نقداً بپردازد تا سازمان مزبور بتواند از محل منابع خود متناسب سازی را به انجام برساند.

اگرچه سازوکار تهیه و تنظیم و بررسی و تصویب بودجه کل کشور دو مرحله ای شده است و مقرر شده در این مرحله احکام، منابع و جداول کلان قید شود و پس از تصویب آن، متعاقباً ریز مصارف ارائه شود، ولی جالب است در اصلاحیه لایحه بودجه برای بازپرداخت بدهی دولت به بانکها، به پیمانکاران بخش خصوصی، بازپرداخت وامها و تسهیلات بانکی، بازپرداخت وام های خارجی، بازپرداخت و تسویه ودایع و اوراق و نیز سهم مصارف وزارت بهداشت از مالیات، حکم و تبصره و ردیف جدول تعبیه شده است، ولی برای بازپرداخت مطالبات بیمه ای سازمان تامین اجتماعی از دولت که در واقع طلب بازنشستگان و بیمه شدگان مشمول قوانین کار و تامین اجتماعی است هیچ رد و نشانه ای دیده نمی شود. یعنی در متنی و جداول بخشی که قرار بوده فقط منابع قید شود مصارف تخصیص دیده شده است، ولی برای سازمان تامین اجتماعی و ذیفعان آن رقم و با حکم مشخصی لحاظ نشده است.

جالب توجه اینکه دولت در جدول شماره ۴ منابع بودجه، ردیف «منابع حاصل از واگذاری شرکت های دولتی» را ۴۳ درصد کاهش داده و از ۱۰۶ هزار میلیارد تومان به ۶۰ هزار میلیارد تومان رسانده و پر واضح است که بدین ترتیب، دولت قصد ندارد حتی بدهی بیمه خود به سازمان تامین اجتماعی را از طریق تهاثر سهام تادیه کند. نتیجه آنکه علیرغم تبلیغات وسیع نمایندگان مجلس در میان بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی مبنی بر اینکه لایحه بودجه را بخاطر آن ها و برای درج منابع مالی لازم جهت متناسب سازی مستمری آن ها، رد کرده اند، متن اصلاحیه بودجه که کلیات آن امروز به سرعت در مجلس به تصویب رسید بیانگر اینست که نه تنها چیزی بر سر سفره بازنشستگان گذاشته نشده بلکه قرار است یک درصد مزاد مالیات ارزش افزوده هم از جیب آن ها برداشته شده و صرف تامین منابع مورد نیاز دولت شود.



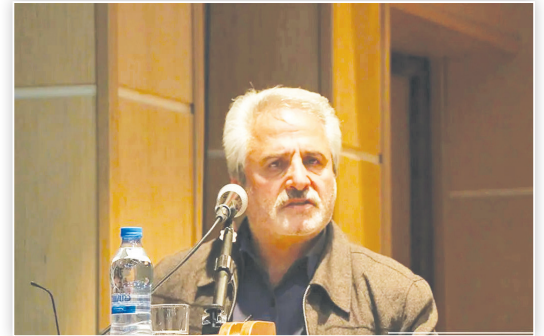
دکتر علی حیدری (کارشناس رفاه و تامین اجتماعی و عضو سابق هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی) در یادداشتی به موضوع مشکلات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ در زمینه اجرای متناسب سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی اشاره کرده است.

در جلسه صحن علنی مجلس که کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور در مجلس رد شد که پدیده ای نادر در کشور بود، رئیس مجلس و نمایندگان مانور زیادی دادند که یکی از علت های اصلی رد کلیات لایحه بودجه عدم لحاظ منابع لازم برای متناسب سازی مستمری بازنشستگان بوده است و این تلقی در میان بازنشستگان مشمول تامین اجتماعی ایجاد شد که مجلسیان آن ها را نیز مد نظر داشته اند. اکنون که متن اصلاحیه لایحه بودجه ۱۴۰۳ کل کشور منتشر و امروز در صحن علنی مجلس کلیات آن به تصویب رسید، مشخص شد که مجدداً و مثل همیشه دولت و مجلس فقط بازنشستگان صندوق های کارمندی را مد نظر داشته و در بند «س» تبصره ۶ اصلاحیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور با افزایش یک درصد به مالیات ارزش افزوده، دولت مقرر داشته است: منابع حاصله که حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود، برای متناسب سازی حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری صرف شود. به این معنا که مقرر است بیمه شدگان و مستمری بگیران مشمول قانون کار و تامین اجتماعی از ابتدای سال جدید در موقع خرید مایحتاج و لوازم مورد نیاز خود یک درصد مالیات ارزش افزوده بیشتر بپردازند ولی منابع حاصله به جیب دولت برود و برای متناسب سازی بازنشستگان کشوری و لشگری و.. هزینه شود.

یک نگاه اجمالی به اصلاحیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور و احکام، تبصره ها و جداول منابع و مصارف آن حاکی است که نه تنها دولت اعتباری بابت متناسب سازی مستمری مشمولین قانون تامین اجتماعی در نظر نگرفته است بلکه حتی هیچ حکم و ردیف

نگاه مدیرمسئول

دست دولت در جیب کارگران و بازنشسته ها



یادداشتی از حسن صادقی؛

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در یادداشت زیر به اصلاحیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ انتقاد کرده و آن را تلاشی برای دست بردن در جیب کارگران شاغل و بازنشسته دانسته است. در متن یادداشت این مقام مسئول آمده است:

کارگران به عنوان نیروی مولد و بازنشستگان به عنوان کسانی که در سنین جوانی تمام تلاش خود را برای رونق دادن به چرخه تولید و اقتصاد کشور به کار بسته اند، یکی از مهمترین طبقات اجتماعی و اقتصادی کشور به شمار می آیند که با وجود تمام تنگناها از هیچ کوششی برای شکوفایی و پیشرفت ایران دریغ نمی کنند. از همین رو دولت، مجلس، مسئولان و متولیان امر باید برای ایجاد انگیزش و امنیت خاطر آنان گام بردارند. یکی از روش هایی که دولت می تواند از طریق آن خواسته های حداقلی جامعه کارگری را تأمین کند، بودجه نویسی مطلوب و تأمین رضایت آنان است.

دولت آقای رئیسی بودجه هرساله کشور را به گونه ای تنظیم و تدوین کرده است که متأسفانه شاهد تبعیض های فراوان بین قشر عظیم جامعه کارگری با سایر اقشار جامعه بوده ایم و همین امر نیز سبب می شد که رضایت حداقلی جامعه کارگری را به همراه نداشته باشد. این عدم رضایت، سبب گردید آستانه تحمل این قشر زحمتکش به مرز هشدار برسد و اعتراضات خود را به استناد اصل ۲۷ قانون اساسی کشور، در قالب تجمعات صنفی به نمایش بگذارند. کارگران شاغل و بازنشسته که نیمی از عمر شریف خود را در راه تولید و خدمت به کشور سپری کرده بودند، به دور از انصاف بود که در کف خیابان ها به دنبال ردیفی در بودجه و حق و حقوق طبیعی خود باشند. ما چشم امید به مجلس انقلابی داشتیم که قرار بود فقر را ریشه کن کند و به بی تدبیری ها پایان دهد؛ تا اقتصاد را سامان دهد؛ تا به دروغ و ریساکاری خاتمه دهد؛ تا عدالت را در کشور نهادینه کند؛ آیا این وضعیت لایحه بودجه ۱۴۰۳ بیانگر همان شعاری است که آقای قالیباف می گفتند: ما یک خیزش هستیم برای نجات اقتصاد کشور؛ ما یک خیزش هستیم برای جلوگیری از فقیرتر شدن مردم؛ آیا این است نتیجه خیزش آقای قالیباف و یارانش برای نجات اقتصاد و مردم کشور! این خیزش برای نجات اقتصاد و مردم کشور است یا خیزش برای ترویج فقر و بی عدالتی!

با اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان برای خانواده دولت، آیا باید از بازنشستگان تأمین اجتماعی انتظار

سکوت داشت؟ قطعاً خیر و سکوت نخواهند کرد! قبل از اینکه صدای مخالفت بازنشستگان تأمین اجتماعی بلند شود، به دولت و مجلس انقلابی و توصیه می کنیم در قالب رد دیون، بخشی از بدهی دولت را در بودجه سالیانه خود ببینند تا متناسب سازی برای بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز فراهم آید.

دولت در اصلاحیه لایحه بودجه برای بازپرداخت بدهی دولت به بانکها، به پیمانکاران بخش خصوصی، بازپرداخت وام ها و تسهیلات بانکی، بازپرداخت وام های خارجی، بازپرداخت و تسویه ودایع و اوراق و نیز سهم مصارف وزارت بهداشت از مالیات، و برای همه موارد حکم، تبصره، ردیف و جدول تعریف کرده است. لکن برای بازپرداخت مطالبات بیمه ای سازمان از دولت که در واقع بازنشستگان و بیمه شدگان مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی هستند، هیچ ردیفی در لایحه اصلاحیه بودجه تعریف نکرده است. یعنی اینکه در متن و جداول، ردیفی که قرار بوده دیده شود اصلاً مورد بی مهری قرار گرفته و خود و ذینفعان آن، ریال و یا ردیف مشخصی را برایشان لحاظ نکرده اند. جالب است که دولت کریمه در جدول شماره ۴ بودجه، ردیف منابع حاصل از واگذاری شرکت های دولتی را ۴۳ درصد کاهش و رقم آن را از ۱۰۶ هزار میلیارد تومان به ۶۰ هزار میلیارد تومان رسانده است. این پر واضح است که دولت قصد ندارد حتی بدهی بیمه ای خود را بابت قشر وسیعی از آحاد جامعه را که به عنوان کارفرما به سازمان تحمیل کرده است، از طریق تهاوت سهام و یا املاک و اموال، تأدیه کند.

باید اینگونه نتیجه گیری کنیم که علی رغم تبلیغات وسیع دولت و مجلس انقلابی با مضمون اینکه همواره ما در کنار کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی بوده و خواهیم بود و به خاطر آن ها مجلس لایحه بودجه را به دولت اعاده داده است تا سهم سازمان تأمین اجتماعی را برای متناسب سازی بازنشستگان تحت پوشش تأمین اجتماعی در قالب رد دیون در نظر بگیرد، اما آنچه را که از اصلاحیه بودجه و ارائه مجدداً به مجلس شاهد بودیم این بود که کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی بایستی از محل خرید مالیات بر ارزش افزوده برای سال ۱۴۰۳ یک درصد بیشتر پرداخت کنند تا دولت و مجلس محترم و انقلابی بتوانند ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه همسان سازی حقوق خودشان و خانواده تحت پوشش را از جیب کارگران و بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی پرداخت و اجرا کنند. یعنی در اصلاحیه مد نظر مجلس نه تنها چیزی عاید بازنشستگان تأمین اجتماعی نشد و چیزی سر سفره آن ها نیامد، بلکه باید یک درصد مازاد مالیات ارزش افزوده از جیب آن ها برداشته شود و صرف منابع مورد نیاز دولت انقلابی شود. چرا کارگر بازنشسته، زن سرپرست خانوار، دستفروش مترو یا یک پیرمرد بساطی کنار خیابان، باید یک درصد بیشتر مالیات بدهد تا شما همسان سازی را برای بازنشستگان صندوق های دولتی اجرا کنید.

معاون دبیرکل خانه کارگر
در پاسخ به حرف و حدیث های مزدی:

نمایندگان کارگران اگر با رفتارهای سال قبل مواجه شدند در جلسه تعیین مزد شرکت نکنند

۵۷ درصد افزایش مزد ۱۴۰۱ فقط کسری افزایش دستمزد ۱۴۰۰ را جبران کرد

نگذاریم جای طلب کار و بدهکار عوض شود!

حسن صادقی می گوید: دیوان عدالت اداری سال گذشته در پی شکایت ما از افزایش مزد، گفت که نمی تواند تصمیم شورا را ابطال کند و اگر امضای نمایندگان کارگر پای آن سند صورتجلسه نبود، امکان ابطال وجود داشت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، با آغاز فصل زمستان تعیین تکلیف مزد سال ۱۴۰۳ در آستانه شروع جلسات کمیته مزد شورای عالی کار محور گفتگوها و بحث های کارگری می شود. زمزمه هایی از هم اکنون برای طرح سناریوهای دولت در این رابطه وجود دارد. همچنین برخی اقتصاددانان از همین روزها درصدهایی را به عنوان گمانه زنی مطرح می کنند که نرخ افزایش حداقل دستمزد باید روی آن نوسان کند، اما فعالان کارگری دیدگاه دیگری دارند. صرف نظر از برخی کارشناسان اقتصادی (مانند سعید لیلان) که در تلویزیون ظاهراً از منظر خیرخواهانه درصدهایی مانند ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش را مطرح کرده اند، معاون روابط کار وزارت کار اخیراً در اظهارنظری ادعا کرده است که در دو سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کارگران با افزایش مزد از تورم عقب نمانند و اگر دو رقم ۵۷ و ۲۷ درصد افزایش این دو سال را جمع کنیم، به رقم ۸۴ درصد افزایش می رسیم که برابر مجموع نرخ تورم این دو سال است!

حسن صادقی (رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری) درباره این گمانه زنی ها و موضع فعالان کارگری در قبال آن اظهار کرد: دو سال است که منطقی علمی منبعث از شاخص ها و متدهای متناسب با تورم در حوزه چانه زنی پیرامون نرخ تورم در کشور وجود ندارد و رویکرد تحکمی وزیر در شورای عالی کار مباحث تخصصی را به حاشیه رانده است. دیگر چیزی مبنی بر ضرورت لحاظ کردن نرخ تورم برای افزایش حداقل دستمزد در شورای عالی کار بر مبنای قانون کار و تبصره های ماده ۴۱ آن یا افزایش مستمری مبتنی بر مواد ۱۱۱ و ۹۶ قانون تأمین اجتماعی وجود ندارد و دولت پیشاپیش نرخ هایی که مدنظر دارد را تحمیل می کند. بحث های طرف کارگری و کارفرمایی نیز در این حوزه به حاشیه رانده شده است.

وی افزود: در چنین شرایطی اصلاً نباید در تله یک نمایش فرمالیته و اتهام برانگیز برای نمایندگان و تشکل های کارگری گیر کنیم. توصیه من به فعالان کارگری و نمایندگان رسمی ای که در شورای عالی کار هستند، این است که اگر قرار است سوگیری دولت در شورای عالی کار مانند سال گذشته باشد، در جلسه تعیین مزد شرکت نکرده و بگذارند خود دولت در گفتگو با کارفرمایان هر تصمیمی که خودش دوست دارد را بگیرد. این باعث می شود دامن نمایندگان کارگر از مباحث غیرکارشناسی و غیرقانونی مبرا باشد. صادقی تصریح کرد: اینکه نمایندگان در جلسه شرکت کنند و علیرغم میل باطنی متنی امضا کنند، باعث ظلم به خودشان و جامعه هدف ایشان (کارگران) است. آنچه از هم اکنون به عنوان رویکرد دولت پیداست، دفاع از تصمیم سال گذشته در میان دولتی ها پیرامون مزد است. دولت از اینکه مزد بسیار کمتر از تورم افزایش یافته و نرخ تورم به طور کلی بالای ۴۰ درصد باقیمانده و مزد ۲۷ درصد افزایش یافته، اصلاً ناراحت نیست. آن ها بجای توضیح درباره خطا رفتن در مورد پیش بینی کاهش تورم، تصمیم سال قبل را توجیه می کنند. ضمن اینکه در سند لایحه بودجه ۱۴۰۳ مجلس نیز موضوع افزایش حقوق را ریل گذاری کرده است. طرح افزایش ۱۸ درصد حقوق شاغلان دولت نشان می دهد که مجلس و دولت نیز اغلب نرخی در همین حدود را برای افزایش حقوق کارگران می پسندند.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری تأکید کرد: افزایش اندک حقوق کارکنان دولت در حالی است که دولت در اواخر سال معمولاً تحت پوشش اعیاد و مناسبت ها حقوق کم نیروهای خود را تا حدی جبران می کند اما به کارگران چیزی نمی رسد. در چنین شرایطی ما به این دلیل توصیه به عدم شرکت و امضای سند حداقل دستمزد می کنیم که می دانیم وقتی مثل پارسال به دیوان عدالت اداری در زمینه افزایش حقوق کارگران و تصمیم دولت در شورای عالی کار شکایت کردیم، در آخرین بررسی ها وزیر کار متن صورتجلسه مذاکرات مزدی و امضای کارگران را به رئیس دیوان ارسال کرد و مدیران مجموعه دیوان عدالت اداری نیز گفتند که چون خود کارگران امضاء کردند، پس توافق وجود داشته و مسئله اجرای قانون ماده ۴۱ قانون کار و بالا رفتن مزد به اندازه نرخ تورم در چنین شرایطی امکان اعمال ندارد و نمی توان تصمیم شورا را ابطال کند. مقامات دیوان ادعا می کردند که اگر امضای نمایندگان کارگر پای آن سند صورتجلسه نبود

فتح الله بیات (رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی):

وزیر کار نه قانون را می شناسد و نه اعتقادی به رعایت آن دارد

متأسفانه با وزیری طرف هستیم که قانون را نمی شناسد و اعتقادی هم به رعایت قانون ندارد لذا با چنین افرادی مذاکره سخت است و اگر مذاکراتی هم انجام شود به نفع دولت و کارفرمایان به پایان می رسد.

انتظار ما بر این بود که قانون کار اجرا شود ولی هر روز به جای رعایت قانون کار و نظارت بر آن که مهمترین آنها امنیت شغلی، قرارداد موقت، سفید امضا و پرداخت دستمزد است که در اکثر کارگاه ها و محیط کار رعایت نمی شود. همه این مطالبات از وظایف مهم وزارت کار است اما بیشترین تمرکز را بر روی اجرایی شدن مزد منطقه ای گذاشته اند.

تک تک کارگران و بازنشستگان از عملکرد وزیر کار ناراضی هستند. به جای ترمیم دستمزد در شورای عالی کاری که بر صدر جلسه وزیر کار نشسته است، بحث مزد منطقه ای مطرح می شود. آنجاست که آب پاکی بر دستان کارگر ریختند. بر چه پایه و اساسی مزد منطقه ای مطرح می شود وقتی زیر ساختی برای آن ندارند؟!



نصرالله در یابیگی (نائب رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته های کشور):

آقای اقتصاددان! آقای دانشگاه رفته!

عامل تورم دستمزد کارگر نیست؛ این شما هستید که تورم را هستید!



آقایان می گویند اگر دستمزد را بالا ببریم، تورم افزایش پیدا می کند؛ واقعا یک دستمزد چه قدر در هزینه تمام شده های کالا و خدمات نقش دارد؟! آیا مسئول کمیته تلفیق بودجه، می تواند خودش را جای کارگران و بازنشستگان بگذارد؟!

آقای اقتصاددان که ادعای درست کردن اقتصاد را دارید! آقای دانشگاه رفته! آقای وزیر! آقای رئیس کمیته تلفیق! دستمزد تورمزا نیست؛ این قانون هدفمند کردن پارانه است که تورم زاست، حذف ارز ترجیحی تورم زاست، اصلاً وجود شما باعث افزایش تورم است!

رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور در گفت و گو با ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان؛

اتحاد جامعه کارگری و بازنشستگان برای گرفتن حق

مسئولان محترم مدیریت زندگی با ماهی ۵ تا ۷ میلیون را تشریح کنند

رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در گفت و گویی اختصاصی با آقای سید مجتبی قریشیان؛ سردبیر ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری" نقطه نظرات خود را در خصوص مزد بازنشستگان و اوضاع معیشتی آنان اعلام نمود.

آقای "اسدی" گفت: یک فرد سالمند با ماهی ۵ تا ۷ میلیون تومان چگونه زندگی کند؟ اگر مسئولان محترم برای این موضوع راه حلی دارند؛ ارایه نمایند. ماهی ۷ تا ۵ میلیون؟!

بحث افزایش دستمزد و متناسب بودن آن با تورم موجود در جامعه و اینکه به چه درصدی نسبت به تورم این افزایش حقوق صورت گرفته است و چرا علی رغم وعده های دولت تورم کنترل نشده است؛ من به این بحث ها کاری ندارم چرا ما باید با هم دعا کنیم که دولت تورم را کنترل کرده یا نکرده. چرا روی عدد و شاخص نشان دهنده کنترل با هم بحث و مجادله کنیم؟ یک کلمه می گویم و آن هم این که از مسئولین یک سوال واضح و مشخص را می پرسیم؟ انصافا آیا یک انسان سالمند ۶۰ ساله و با سن بالاتر از آن با اعداد ۵ و ۷ میلیون تومان

میشود می تواند زندگی کند. اگر میشود می توان با این اعداد زندگی کرد و حداقل های یک زندگی را تامین کرد یک کتابچه آموزشی تهیه کنید و روند اینگونه زندگی کردن را به ما آموزش دهید. این مسئله هم به وجدان هر مسئولی که می خواهد به این پرسش پاسخ دهد بستگی دارد که واقعا آیا با این مبلغ می توان زندگی کرد یا خیر. از نظر ما و براساس بررسی هایی که صورت گرفته. همچنین چه بسا خود آقایانی که اقتصاددان هستند و ادبیات اقتصادی را خوب می دانند کف و حداقل حقوق لازم برای تامین حداقل های زندگی را خیلی بیشتر از عدد اعلام شده می دانند شاید ۳ یا ۴ برابر این عدد را خط فقر می دانند و اعلام می کنند. بنابراین همین نکته کافی است نیاز و جایی هم برای اثبات هم دیگر نداریم و لازم هم نیست.

حضور نماینده ای از سوی بازنشستگان در شورای عالی کار؟

یکی از وظایف اصلی شورای عالی کار تصمیم گیری برای تعیین حداقل دستمزد کارگران می باشد و از آنجایی که مزد کارگران با حداقل مزد بازنشستگان گره خورده عقل و منطق حکم می کند که این جمعیت عظیم نماینده ای در شورای عالی کار داشته باشند؛ تلاش های متعددی داشته ایم و نامه نگاریهایی هم کرده ایم. البته این مهم نیاز به اصلاح قانون دارد چون این امر در قانون قید نشده است. ما به دنبال یک عضو موثر و صاحب رای هستیم که از جانب مجموعه خودمان معرفی و دعوت شود. قطعاً اثربخشی خودش را دارد. حداقل در بین خودمان این بحث را خواهیم داشت که از حق و حقوق بازنشسته دفاع شد. ولی اینکه به عنوان عضو میهمان و ناظر به جلسات دعوت شویم این را قبول نداریم و پذیرای آن هم نیستیم. انتظار داریم درخواست ما را ببیند و به نتیجه برسد و ما یک عضو موثر و فارغ از تعداد اعضای کارگری داشته باشیم نه اینکه یکی از آنها باشیم ما این را نمی پذیریم که به جای یکی از اعضای گروه کارگری باشیم. باید حداقل یک عضو از بازنشستگان باشد و دارای حق رای باشد.

اهم فعالیت های کانون عالی بازنشستگان؟

انجام کارهای جاری و روزمره و همیشگی؛ با توجه به اینکه ۳۶۰ کانون بازنشستگان در سراسر کشور وجود دارد اداره امور جاری اینها نیاز به وقت و برنامه ریزی دارد و بخش عظیمی از کارها تشکیل می دهد و ما به دنبال تهیه زیرساخت ها هستیم و به نوعی باید ادبیات مشترک و آرم مشترک داشته باشیم و بصورت یک پارچه و یک مدل جلو برویم. از آن طرف نرم افزار برنامه هایی تهیه کرده ایم که بتوانیم ساختار کانون را از نظر اداری و اجرایی خوب پیش ببریم و پاسخگو باشیم و از طریق سامانه امور را انجام دهیم در این راستا ۲۳ امور تحت وب سایت درآمده و پذیرش شده و قدمهای خوبی برداشته شده است و سیستم های نرم افزاری بصورت آزمایشی مورد استفاده قرار گرفته است و یک سری بارگذاری هایی هم در بحث اداری صورت گرفته اما هنوز بصورت اطمینان بخشی نتیجه نگرفته ایم. در مورد وام بازنشستگان تاکنون ۲۱۰ فقره وام توسط کانون



الان دولت خودش پیشنهاد داده است که از محل ۱٪ مالیات ارزش افزوده همسان سازی کارکنان دولت انجام شود. چنانچه آنها از این مالیات برخوردار شوند حتما این حق ما هم هست چون این مالیات بر بهای تمام شده کالا و خدمات دریافت می شود. بنابراین ما هم در اینجا هم پرداخت کننده هستیم و صاحب حق و حق خودمان را میخواهیم.

بین بازنشستگان توزیع شده که از طریق بانک رفاه پرداخت شده است. طرح کرامت رضوی را مثل سالهای گذشته پیگیری می کنیم البته امسال یک مقداری با چالش هایی روبرو شدیم و استارت آن در مهرماه زده شد تا الان ۳۰۰۰ نفر به مشهود مقدس اعزام شدند. امیدواریم که بتوانیم تا پایان سال به عدد سالهای گذشته دسترسی پیدا کنیم بحث مهم پیگیری مطالبات بازنشستگان جزء فعالیت های مهمی است که در دستور کار قرار دارد و آنرا هدف گذاری کرده ایم. در بحث برنامه و بودجه و موضوع مطالبات بازنشستگان مثل همسان سازی یا متناسب سازی حقوق بازنشستگان در برنامه قرار دارد و در مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام جلساتی را داشتیم از جمله اینکه چند جلسه در کمیسیونها و کمیته های مجمع حضور پیدا کردیم و در آنجا توانستیم تفهیم کنیم. فصل ۵۵ که مربوط به تامین اجتماعی است و با توضیحات ما مجمع فصل ۵۵ را مغایر با سیاست های کلی نظام تشخیص داد و برگشت داده شد و باید دوباره روی آن کار کنند. در آنجا مقید شد که ما هم در جلسات حضور پیدا کنیم و نظرمان جلب شود. در بحث مربوط به مطالبات سازمان تامین اجتماعی از دولت روی این مسائل مانور داده شد روی استقلال سازمان تامین اجتماعی از دولت مانور داده شد و چندین جلسه در این خصوص کار شد. الان دولت خودش پیشنهاد داده است که از محل ۱٪ مالیات ارزش افزوده همسان سازی کارکنان دولت انجام شود. چنانچه آنها از این مالیات برخوردار شوند حتما این حق ما هم هست چون این مالیات بر بهای تمام شده کالا و خدمات دریافت می شود. بنابراین ما هم در اینجا هم پرداخت کننده هستیم و صاحب حق و حق خودمان را میخواهیم. در غیر این صورت و چنانچه از محل بودجه ۱٪ مالیات بر ارزش افزوده هم این امر انجام نشود منابع مربوط به اجرای همسان سازی بازنشستگان تامین اجتماعی را پیگیری می شویم. مبلغ ۱۷۰ همت برای بازنشستگان تامین اجتماعی پیشنهاد داده ایم که در کمیسیون اجتماعی پذیرفته شده و مکاتبات آن به کمیسیون تلفیق و رئیس مجلس ارسال شده است. از این محل علاوه بر اینکه رد دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی صورت می گیرد متناسب سازی هم انجام می شود. در آنجا پیشنهاد ۱/۳ برای اجرای متناسب سازی راداده ایم در بحث بیمه ی تکمیلی قرارداد جدیدی منعقد شد تلاش کردیم که بتوانیم مشارکت سازمان تامین اجتماعی را در اینجا بالا ببریم تا اینجای کار ۵۰٪ از تصویب کردند تا مصوبه نهایی از هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی اخذ شود نگاه وزیر هم در این زمینه مثبت

است. بیگیر امور فرهنگی - ورزشی هم هستیم. موانع پیش روی کانون عالی؟

مانعی که بصورت ملموس وجود دارد این است که کلا دولت و دولت مردان در هر رده اش و مسئولین و سازمان تامین اجتماعی همه این دستگاهها متأسفانه باوری برای اجرای قانون بصورت دقیق ندارند و به قانون درست عمل نمی کنند در همین راستا مایگی ریهایی را داشتیم و داریم ولی بزرگترین مانعی که وجود دارد سلیقه ای عمل کردن به قانون توسط مسئولین می باشد. در ارتباط با حقوق ها اگر قانون به درستی اجرا شود. نیازی به متناسب سازی نداریم. ماده ۹۶ تعریف کرده است که برای بازنشسته ها برابر تورم که وجود دارد باید حقوق آنها افزایش پیدا کند. در مورد شاخص تورم سلیقه افراد و گروهها ملاک نیست نرخ تورمی که از سوی بانک مرکزی اعلام میشود ملاک و معیار است. این نرخ کارشناسی شده است و قانون هم به صراحت گفته برابر با نرخ تورم باید اضافه شود. اگر حقوق برابر با نرخ تورم اضافه کنید و چنانچه زندگی من

هم تامین نشود اعتراضی ندارم چون در این مورد حق خودم را گرفته ام باید مخارج زندگی خودم را مدیریت کنم از آنجایی که این حق قانونی و اصلی انسان دیده نمی شود در اینجا ۱۲ ایراد وارد است اول اینکه آدم این رابه خودش یک توهین تلقی می کند که چرا دولت و تشکیلات حق من را نمیدهد دوم اینکه در اینجا ما از شما کمک نمی خواهیم بلکه حق خودمان را مطالبه می کنیم یعنی آن چیزی که اثبات شده است و همان چیزی که قانون تصویب کرده است بزرگترین مانع هم همین است. اگر در کشور ما به جایی برسیم که قانون رعایت شود و امامزاده را متولی آن حفظ می کند در اینجا متولی مملکت دولت و دستگاههای اجرایی مرتبط با دولت است و تصمیم سازهای دولتی هستند. اینها اگر قانون شکنی کنند مثل این شعر معروف می شود که اگر زباز رعیت ملک کند سببی، بر آورند غلامان او درخت از بیخ اگر عوامل اجرایی و دولتی قانون شکنی کنند افراد زیادی به سمت قانون شکنی می روند بزرگترین مانع پیش رو سلیقه ای عمل کردن به قانون است اگر بخوایم مانع دیگری را متصور شویم خودمان آنرا ساخته ایم!

و... مطلب پایانی؟

به نظر من در این مقطع چند نکته حائز اهمیت است؛ یک بحث این است که در این شرایط جامعه کارگری و بازنشستگان بیشتر از هر چیز و هر وقت دیگری نیاز به وحدت و اتحاد و همدلی دارند. و از هرگونه سخن و هر حرکتی که بین گروههای کارگری و بازنشستگی تناقض ایجاد کند و باعث اختلاف شود باید به شدت پرهیز کرد و یک مدل حرف و سخن گفته شود. متحد باشیم و صف های جدا درست نکنیم دوم اینکه الان موضوع انتخابات مجلس در پیش است مجلس تنها جایی است که قدرت ساز است و حامی اصلی به شمار می رود و قانون گذاری در آن صورت می گیرد. ما باید در اینجا حضور موثری داشته باشیم و بطور مدیریت شده و منسجم عمل بکنیم و سهم خودمان را در مجلس و از قدرت و تصمیم گیری و تصمیم سازی داشته باشیم و این مهم بدون برنامه ریزی میسر نخواهد شد جامعه کارگری یک جامعه ای است که بیشتر از نصف جمعیت کشور را تشکیل می دهد حداقل حق ماست که ۲۰ نماینده با تفکر خودمان را داشته باشیم و این میسر نمی شود جز اینکه همه با هم باشیم و دست در دست هم نهم. بازنشسته ها و تشکل ها نگاه می کنند و می بینند که مسئولین آنها چه حرکتی را در این زمینه انجام می دهند و چگونه عمل می کنند اگر ضعیف عمل کنیم و الگو معرفی نکنیم هر کسی می رود و به قبیله خودش رای می دهد چه بسا آدمهای خوبی هم انتخاب شوند ولی درک درستی از مسایل کارگری ندارند و من کارگر را درک نمی کنند و قانون من را نمی دانند اینها می آیند در راه امور قرار می گیرند حالا ما باید برویم انرژی و توان وقت بگذاریم و اینها را قانع کنیم که کارگر این است تامین اجتماعی این است و...!!

حسن صادقی: علمای اقتصادی سرگیجه شده اند از این مدیریت ها!

قدرت خرید کارگران و بازنشستگان ۶۳ درصد کمتر شده / سفره ها ۳۰۲ درصد کوچکتر؟!

نمی‌کند. دلیلش هم این است که دچار توهم تورمی هستند یعنی فکر می‌کنند اگر حقوقها را افزایش دهند تورم بوجود می‌آید. مشاهده شاخص تورم از سال ۸۶ تا ۹۱ نشان می‌دهد که هرکدام با افزایش واقعی کردن دستمزدها تورم کاهش پیدا کرده است هر وقت حقوق کمتر افزایش پیدا کرده تورم بیشتر افزایش پیدا کرده است و شتابش بیشتر شده اینها عکس همدیگر عمل می‌کنند. مهار و قفل کردن دستمزد به محاق بردن حوزه اقتصاد مولد می‌باشد. وقتی دستمزد ها واقعی نباشند شخص ترجیح می‌دهد تا در اسنپ کار کند به همین دلیل چرخه اقتصاد مولد روز به روز کندتر می‌شود و برعکس چرخه اقتصاد غیر مولد افزایش پیدا می‌کند. گزارشی را که اعتمادآنان استخراج کرده نشان می‌دهد که سال ۹۱ افزایش حقوق ۱۵٪، تورم ۴۱٪، سال ۹۲ افزایش حقوق ۲۰٪، تورم ۳۲٪، سال ۹۳ افزایش حقوق ۲۵٪، تورم ۱۶٪، سال ۹۴ افزایش حقوق ۱۴٪، تورم ۱۲٪، سال ۹۵ افزایش حقوق ۱۱٪، تورم ۱۰٪، سال ۹۶ افزایش حقوق ۱۰٪، تورم ۹۷٪، سال ۹۷ افزایش حقوق ۶٪، تورم ۳۰٪، سال ۹۸ افزایش حقوق ۱۸٪، تورم ۴۱٪، سال ۹۹ افزایش حقوق ۱۵٪، تورم ۴۹٪، سال ۱۴۰۰ افزایش حقوق ۲۵٪، تورم ۴۰٪، سال ۱۴۰۱ افزایش حقوق ۲۰٪، تورم ۳۹٪، یعنی اگر سال ۹۰ ملاک و پایه قرار دهیم مقدار حقوق و متعادل شدن و منطقی شدن عرضه و تقاضا دستمزدها واقعی کرد و متناسب با تورم دستمزدها را افزایش داد اینکه تورم با سرعت ۱۰۰ کیلومتر حرکت کند و جولان دهد و ما حقوق را با سرعت ۲۰ کیلومتر کنترل کنیم این امر باعث کاهش قدرت خرید و فشار به زندگی طبقه ضعیف کارگر و بازنشسته می‌شود و سبب می‌شود که در تله فقر بیشتری گرفتار شویم. الان تله فقر به قدری عمیق و گود شده که مرتباً دهک‌های میانی ما به سمت این تله و دهک‌های پایین تر سقوط می‌کنند. یعنی دهک‌های ۵ و ۴، ما به دهک‌های ۳ و ۲ زور می‌کنند. به همین دلیل می‌گویند که ۳۷٪ جمعیت دچار فقر مطلق شده اند. من فکر می‌کنم که دولت نباید از واقعی کردن دستمزدها و اخذ یک تصمیم انقلابی در حوزه اقتصاد که اتفاقاً بعدها بعنوان یک برگ زرینی در حوزه عملکردش خواهد درخشید، بیم داشته باشد. هر دولتی که بتواند تصمیم بگیرد و مزد را واقعی کند و قدرت خرید را به چرخه اصلی خودش برگرداند و این گپ را پر کند قطعاً نام نیکی از خودش در اقتصاد کشور برجای خواهد گذاشت. ماجدا منتظر چنین تصمیمی هستیم اما کسی جرات

افزایش ۱۶٪، نرخ تورم ۱۶/۶٪ بوده است یعنی ۶٪ منفی سال ۵۶ دستمزد ۴۰٪ تو مان درصد افزایش آن ۱۸/۴٪ نرخ تورم ۲۵/۱٪ یعنی ۷/۶٪ منفی مشاهده میکنیم که همه اینها تا سال ۶۹ منفی بوده است و در سال ۷۰ مثبت می‌شود سال ۷۳ منفی می‌شود تا سال ۷۴ منفی است دوباره مثبت می‌شود سال ۷۸ منفی است و از سال ۷۹ مثبت می‌شود تا تقریباً سال ۸۶ سال ۸۷ مجدداً منفی می‌شود ۲ سال بعد مثبت می‌شود یعنی ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و از ۹۱ منفی شده تا امروز همه اش منفی است این آمار و ارقام بیانگر این است که شاخص‌های تعریف شده تورم و شاخص افزایش دستمزدها چگونه ای بوده اند که شاخص افزایش دستمزد به دلیل یک دهه عقب ماندگی از تورم و به اضافه ۲ سال آخر دولت احمدی نژاد گپ ایجاد شده بین افزایش حقوق و تورم را نتوانستیم بکنیم. به نظر من نیاز به اخذ یک تصمیم انقلابی وجود دارد. الان قدرت خرید ۶۳٪، نسبت به درآمد ها کاهش پیدا کرده است و این امریکبار و با یک تصمیم مهم و سخت انقلابی باید حل شود. اگر تصمیم بگیرند و یکبار این کار را انجام دهند ما شاهد استخوان لای زخم نخواهیم بود. دولت ترکیه برای رضایت مندی از قشر ضعیف و کارگر و همچنین برای حمایت از تولید و ارتقاء اقتصاد کشور و حفظ قدرت خرید مردم و متعادل شدن و منطقی شدن عرضه و تقاضا دستمزدها واقعی کرد و متناسب با تورم دستمزدها را افزایش داد اینکه تورم با سرعت ۱۰۰ کیلومتر حرکت کند و جولان دهد و ما حقوق را با سرعت ۲۰ کیلومتر کنترل کنیم این امر باعث کاهش قدرت خرید و فشار به زندگی طبقه ضعیف کارگر و بازنشسته می‌شود و سبب می‌شود که در تله فقر بیشتری گرفتار شویم. الان تله فقر به قدری عمیق و گود شده که مرتباً دهک‌های میانی ما به سمت این تله و دهک‌های پایین تر سقوط می‌کنند. یعنی دهک‌های ۵ و ۴، ما به دهک‌های ۳ و ۲ زور می‌کنند. به همین دلیل می‌گویند که ۳۷٪ جمعیت دچار فقر مطلق شده اند. من فکر می‌کنم که دولت نباید از واقعی کردن دستمزدها و اخذ یک تصمیم انقلابی در حوزه اقتصاد که اتفاقاً بعدها بعنوان یک برگ زرینی در حوزه عملکردش خواهد درخشید، بیم داشته باشد. هر دولتی که بتواند تصمیم بگیرد و مزد را واقعی کند و قدرت خرید را به چرخه اصلی خودش برگرداند و این گپ را پر کند قطعاً نام نیکی از خودش در اقتصاد کشور برجای خواهد گذاشت. ماجدا منتظر چنین تصمیمی هستیم اما کسی جرات



در حالیکه حداقل دستمزد طی ۸ سال معادل ۲۲٪ رشد داشته است شاخص بهای کالا و خدمات ۲۸۶٪ رشد داشته است متأسفانه در این سالها یعنی پایان جنگ تحمیلی هم بنا به دلایل مختلف اگرچه خیلی تلاش و کوشش صورت گرفته است ولی قدرت خرید حداقل دستمزد که باید متناسب با تورم حفظ شود، حفظ نشده

و کارشناسان اقتصادی دارند. اگر دولتها در سالهایی را که پشت سر گذاشتند رویکرد خودشان را بر حمایت از نفس تولید بهره ور قرار می‌دادند، می‌توانستند شاهد فضای متعادل تری در حداقل دستمزد و تامین حداقل معاش باشند. اگر صرفاً نگاه دولت‌ها از حمایت و دفاع از محدود تولید کننده‌ها قرار نمی‌گرفت و فقط از آنها حمایت نمی‌کردند و از نفس تولید بهره ور حمایت می‌کردند امروز فضای متفاوت و منطقی‌تر و معتدل تری را در حداقل دستمزد شاهد بودیم. نکته نگران کننده‌ی دیگر اینک، مقایسه نرخ رشد حداقل دستمزد با رشد شتابان نرخ تورم طی دوسالی است که از اجرای هدفمندی یارانه‌ها و راپشت سر گذاشتیم. در دوسال اول اینها با نیت هدفمندی یارانه‌ها دستمزد ها را قفل کردند یعنی سالهای ۹۰ و ۹۱ با مقایسه نرخ رشد حداقل دستمزد نشان می‌دهد که رشد حداقل دستمزد ۱۲/۵ درصد است و این ۱۰/۶٪، کمتر از تورم موجود می‌باشد یعنی عملاً غیر از گپ ۲۸۶٪ که در دهه ۶۰ داشتیم ۱۰/۶٪ هم عقب افتادیم و به این گپ و گودال اضافه شد و به اندازه این اختلاف و فاصله فاحش که طی سالهای ۶۸ تا ۷۴ اتفاق افتاد که در آن شاهد رشد ۴۹٪، تورم در زمان آقای هاشمی بودیم. باقی سالها شاهد یک حصر تعریف شده و برگرفته از نگاههای دگم در مسیر دستمزد بودیم به عنوان مثال سال ۵۳ حداقل دستمزد ۳۱۵ تومان در این سال افزایش حداقل دستمزد تورم صفر بوده سال ۵۴ حداقل دستمزد ۳۹۳ تومان درصد افزایش حداقل دستمزد ۲۴/۸٪، نرخ تورم ۹/۹٪، ماه تفاوت نرخ رشد حداقل دستمزد بانرخ تورم ۹/۱۴ بوده سال ۵۵ دستمزد ۴۵۶ تومان بوده است در

۲۸۶٪، این شکاف هر سال با افزایش ۳٪، پرشدنی نیست، چون تورم ۲ رقمی کشور اجازه پر شدن این شکاف را نمی‌دهد. برای آن باید چاره‌ای اندیشیده شود استراتژی آنها این بود که بطور ۳٪ در هر سال آن را جبران کنند. در حالیکه این استراتژی جواب نمی‌دهد. یکی از اصلی‌ترین دلایل این وضعیت هم تناقض بین سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها می‌باشد. در واقع تناقض بین سیاست‌های اقتصادی حمایت از تولید می‌باشد. افزایش دستمزدها همیشه به معنی افزایش تولید توجیه شده این در حالی است که طی ۲ دهه گذشته همه دولت‌ها بدون استثنا تلاش کرده اند که با پایین نگه داشتن هزینه‌ها از تولید کننده حمایت کنند در حالیکه این خدمت به تولید کننده نیست و نوعی ضربه زدن به آنان است. آقای دکتر مومنی که از کارشناسان اقتصادی است در بحثی که مطرح فرمودند این تناقض را در نوع نگرش دولتها تفسیر کرده است. یعنی در واقع دولتها و در قالب موضوعات حمایتی آمده اند و صورت مسئله را پاک کرده اند. ایشان بیان می‌کنند که اگر دولت‌ها بر حمایت از تولید اهتمام داشتند و نه حمایت از تولید کننده بطور حتم و قطع به یقین می‌توانستند سیاست‌های معقول‌تر و منطقی‌تری را اتخاذ کنند. که در بین این سیاست‌ها هم از صادرات حمایت شود و هم از تولید دستمزد منطقی. و دستمزد را در گردونه دفاع از تولید قرار دهند و ما امروز به جای رشد واقعی صادرات شاهد رشد صادرکنندگان محدود و مشخص نبودیم. حمایت دولتی آنچنان بلایی بر سر تولید کننده آورده است که انتهای چوب آن به فرق سر طبقه کارگر و قشر ضعیف جامعه می‌خورد با توجه به نگاهی که مدرسین دانشگاهها

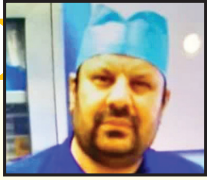
ماده ۴۱ می‌باشد و روی دیگر سکه ۲ تبصره ای می‌باشد که ذیل ماده ۴۱ قانون کار آورده شده است. بر اساس این تبصره حداقل دستمزد باید با توجه و در نظر گرفتن تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و بدون در نظر گرفتن شرایط جسمی و روحی و کاری کارگر بگونه‌ای تعیین شود که حداقل معاش یک خانواده ۳/۳ نفری را تامین کند. به همین دلیل نرخ رشد افزایش حداقل دستمزد باعث نشده است که حداقل نیازهای یک خانواده ۳/۳ نفری را تامین کند. اگر نگاه دقیقی به افزایش دستمزد در کشور داشته باشیم گویای سکون نسبی حداقل دستمزد طی سالهای ۶۰ تا ۶۸ می‌باشد. یعنی در دوران جنگ و با توجه به شرایط ویژه حاکم بر اقتصاد کشور در آن دوران و با توجه به تجهیز همه منابع برای دفاع از کشور این سکون و ثبات توجیه داشت. در این دوران می‌بینیم که شاخص بهای کالای مصرفی در کشور رشد داشته است و طی یک دوره ۷ ساله ثابت درآمد ها و افزایش قیمت‌ها هم زمان و با هم اتفاق افتاده است. و این مسئله باعث افزایش فاصله بین حداقل دستمزد و حداقل معاش شده است. بر اساس محاسباتی که از طرف بانک مرکزی صورت گرفته است شاخص بهای کالای مصرفی و خدمات با سال پایه یعنی سال ۸۳ را در نظر بگیریم از ۱/۶۱ واحد در سال ۶۰ به ۲۱/۶ واحد در سال ۶۸ رسیده است. این در حالی است که حداقل دستمزد در سال ۶۰ معادل ۱۹۰۰۵۰ ریال بوده و در سال ۶۸ این رقم به ۲۴۹۰۰۰ ریال رسیده است یعنی در حالیکه حداقل دستمزد طی ۸ سال معادل ۲۲٪ رشد داشته است شاخص بهای کالا و خدمات ۲۸۶٪، رشد داشته است متأسفانه در این سالها یعنی پایان جنگ تحمیلی هم بنا به دلایل مختلف اگرچه خیلی تلاش و کوشش صورت گرفته است ولی قدرت خرید حداقل دستمزد که باید متناسب با تورم حفظ شود، حفظ نشده. و هیچگاه ما تصمیم نگرفتیم تا فاصله ایجاد شده از سال ۶۰ تا سال ۶۸ را که بعلت تورم و افزایش شاخص بهای کالا و خدمات و حداقل دستمزد ایجاد شده بود را با افزایش حداقل دستمزد جبران کنیم. این فاصله یکی از ضعف‌هایی است که اتفاق افتاده و آثارش را در همه دهه‌ها مشاهده می‌کنیم و در هیچ دهه‌ای هم نتوانستیم به گونه‌ای حداقل معاش را وجود آورد. چون بر اساس قانون ملاک تعیین حداقل دستمزد باید تامین معاش جامعه هدف باشد. قانون کار همانند یک سکه آرو می‌باشد یک روی آن خود

آقای حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در گفت و گویی نسبتاً مبسوط با آقای سیدمجتبی قریشیان، سردبیر ماهنامه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، نقطه نظرات خود را در خصوص مزد ۱۴۰۳ و شرایط کنونی جامعه کارگری و بازنشستگان تشریح کرد. این گفت و گو را مطالعه می‌کنید.

جناب آقای صادقی راهبرد اتحادیه در باب مزد چیست؟

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری همواره در ارتباط با موضوع دستمزد، معیارها و متدهای تعریف شده در قانون را ملاک عمل قرار داده و سعی می‌کند که در این مسیر حرکت کند؛ اعتقاد داریم ملاک برای تعیین دستمزد اجرای قانون می‌باشد و قانون کار این مهم را به عهده شورای عالی کار گذاشته است برای اساس رسیدن به یک توافق جمعی لازم و ضروری به نظر می‌رسد، توافقی که مبتنی بر شاخص‌های تورم اعلام شده از سوی مراجع رسمی و ذیصلاح باشد. برای این باوریم که در طی سالهای متوالی همواره تورمی که ابتدای سال ملاک محاسبه دستمزد بوده در اواسط سال بر میزان افزایش حقوق‌ها پیشی گرفته. به همین دلیل معتقدیم که در روند اجرای ماده ۴۱ قانون کار آنچه که مغفول مانده این است که افزایش حقوق‌ها نتوانسته پاسخگوی حداقل نیازها باشد.

اگر نگاهی به حداقل دستمزدها داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که طی ۳۴ سال گذشته فاصله حداقل دستمزد و نرخ تورم حدود ۳٪ بوده است. با در نظر گرفتن نرخ رشد تورم و میزان افزایش حداقل دستمزد مشاهده خواهیم کرد که اگر سال پایه را سال ۷۵ در نظر بگیریم تا سال ۹۱ متوسط نرخ رشد دستمزد حدود ۳٪، بیشتر از نرخ تورم در زمان تصویب بوده است اما در شروع هر سال روند رشد تورم یک سیر صعودی پیدای کند و عملاً از میزان افزایش حداقل دستمزد پیشی می‌گیرد. یعنی طی سالهای ۷۵ تا سال ۹۱ نرخ رشد تورم بطور متوسط ۱۹٪ بوده این در حالی است که نرخ رشد حداقل دستمزد قبل از آن طی دوره ۳۴ ساله و بنابراین آمار اعلام شده از سوی کارشناسان و مراجع ذیصلاح معادل ۲۲٪ بوده است. ولی این نرخ رشد باعث نشده است که حداقل دستمزد تعیین شده تضمین کننده و مرتفع کننده حداقل نیازها باشد. و یک معاش قابل قبولی را برای حقوق بگیران بوجود آورد. چون بر اساس قانون ملاک تعیین حداقل دستمزد باید تامین معاش جامعه هدف باشد. قانون کار همانند یک سکه آرو می‌باشد یک روی آن خود



خبر

جدیدترین روش جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی توسط دکتر محمدتقی خسروانی جراح و ارتوپد نمونه ادوار مختلف کشوری در بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش صورت گرفت

رباط داشتیم تا اینکه به بیمارستان فیاض بخش معرفی شدم. وی افزود: خوشبختانه بعد از عمل هیچ مشکلی ندارم و در حال حاضر از خدمات فیزیوتراپی استفاده می‌کنم و درد ناشی از پارگی رباط که قبلاً با آن مواجه بودم، کاملاً از بین رفته است. وی ضمن ابراز رضایت کامل از خدمات متنوعی که از بیمارستان فیاض بخش دریافت کرده، از کادر درمان این بیمارستان تقدیر کرد و گفت: این عمل برای من که بیمه‌شده تأمین اجتماعی هستم کاملاً رایگان انجام شد در حالی که در بیمارستان‌های خصوصی هزینه سنگینی داشت که اگر بیمه‌شده نبودم امکان انجام چنین عملی در بیمارستان‌های خصوصی را نداشتم. بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش که فعالیت خود را به عنوان نخستین مرکز درمانی ویژه بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی از سال ۱۳۳۵ آغاز کرده است، در حال حاضر یکی از مراکز اصلی ارائه خدمات سلامت در غرب استان تهران است که روزانه بالغ بر ۲ هزار و ۲۰۰ مراجعه‌کننده سرپایی دارد. دکتر شهیار عبدهو سرپرست بیمارستان تأمین اجتماعی شهید دکتر فیاض بخش در مورد ویژگی‌های این بیمارستان گفت: این مرکز درمانی تا ۳۸۵ تخت فعال و ۲۸ تخت اورژانس و ۳۰ تخت ویژه و ۵ اتاق عمل، در حال ارائه خدمات درمانی به مراجعان و بیمه‌شدگان است. وی با اشاره به اینکه بیمارستان فیاض بخش با ۱۲۰۰ نفر نیروی انسانی در بخش‌های پزشکی، پرستاری، درمانی و اداری؛ سالانه حدود ۸۰۰ هزار بیمار را پذیرش می‌کند، خاطر نشان کرد: پزشکان ۹ رشته تخصصی شامل جراحی عمومی، جراحی ارتوپدی، متخصص قلب، متخصص داخلی، اطفال، متخصص بیهوشی، متخصص زنان و زایمان، جراحی مغز و اعصاب و طب اورژانس به صورت ۲۴ ساعته در این مرکز درمانی حضور فعال دارند.



حتی در انجام امورات ساده زندگی دچار مشکل بودم. او اضافه کرد: از طریق یکی از بستگانم که قبلاً همین عمل را انجام داده بود از کهگیلویه و بویراحمد به تهران و بیمارستان فیاض بخش معرفی شدم. بعد از انجام MRI مشخص شد که به سرعت بایستی تحت عمل جراحی قرار بگیرم. در غیر این صورت محل آسیب‌دیده باعث ایجاد ساییدگی و مشکلات دیگر خواهد شد. وی همچنین گفت: چند روزی است که عمل کرده‌ام و به جز درد خفیفی که ناشی از عمل جراحی است، مشکلی ندارم و کارهای روزانه‌ام را شخصاً و بدون کمک گرفتن از دیگران انجام می‌دهم. این بیمار ۲۷ ساله با قدردانی از کارکنان و تیم جراحی بیمارستان فیاض بخش افزود: بیمه شده شدم تا جایی که بررسی کرده‌ام انجام این عمل جراحی در بیمارستان‌های خصوصی، ۳۵ الی ۵۰ میلیون تومان هزینه دارد که در این بیمارستان که متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است، به‌طور کامل رایگان برای بیمه‌شدگان انجام می‌شود. سام نیکپور بیمار ۳۷ ساله دیگری است که ساکن استان خوزستان است و در این بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفته است. وی در خصوص مشکلاتش قبل از عمل جراحی گفت: در بازی فوتبال دچار پارگی ۱۰۰ درصدی رباط زانو شدم و به مدت ۴۰ روز درد ناشی از پارگی

است که جامعه هدف و ولی نعمتان ما در سازمان تأمین اجتماعی هستند. مدیرکل درمان تأمین اجتماعی استان تهران، با اشاره به رویکرد راهبردی سازمان تأمین اجتماعی در دوره مدیریت جدید در زمینه توسعه خدمات درمانی و صیانت از بیمه‌شدگان و با بیان اینکه بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش تهران، یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین مراکز درمانی ملکی سازمان تأمین اجتماعی است، افزود: این بیمارستان به جهت قرار گرفتن در منطقه‌ای با تراکم بالای بیمه‌شده، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در زمینه ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی دارد و یکی از مراکز اصلی ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان حوادث جاده‌ای و پذیرش بیماران اورژانسی در سطح شهر تهران است. دکتر بابک عدلی می‌افزاید: با توجه به شمار مراجعان روزانه به بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش تهران، در این بیمارستان تلاش شده است برای ارتقای سطح رضایتمندی بیمه‌شدگان، دستگاه‌های پیشرفته را خریداری و راه‌اندازی کنیم. هوشنگ بیغال بیمار ۲۷ ساله‌ای است که به تازگی در بیمارستان فیاض بخش تحت جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی قرار گرفته است. وی در خصوص مشکلاتش قبل از عمل گفت: حدود ۲ سال پیش در اثر حادثه‌ای دچار پارگی رباط زانوی چپ شدم و درد شدیدی داشتم به‌طوری‌که

نوآوری می‌توان به تولید ملی بودن آن، کیفیت و کارایی بهتر، هزینه کمتر، توانبخشی سریع‌تر و راحت‌تر بیمار، بازگشت بیمار به زندگی و کار در زمان کوتاه‌تر و مهم‌تر از همه داشتن مزایای قابل توجه برای بیماران با جراحی مجدد (ریویژن) اشاره کرد. وی اضافه کرد: این تکنیک نسبت به روش موجود، عوارض بسیار کمتری دارد و نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت آن نیز از روش موجود بهتر است. مهم‌ترین و بارزترین مزایای این روش برای بیماران است که قبلاً جراحی و بازسازی لیگامان صلیبی قدامی شده‌اند و نیاز به جراحی مجدد به علت ضربه و پارگی مجدد دارند که اصطلاحاً به آن ریویژن گفته می‌شود. این روش برای بیماران نیازمند ریویژن یک تکنیک بسیار عالی است و دغدغه‌های گذشته را ندارد. وی ادامه داد: این تکنیک برای اولین بار در کشور و در بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش که از بیمارستان‌های ملکی سازمان تأمین اجتماعی است، انجام شده است. براساس این گزارش، دکتر بابک عدلی مدیر درمان تأمین اجتماعی استان تهران نیز با اشاره به پیچیدگی این عمل جراحی و فراهم بودن امکانات و ظرفیت‌های ارائه خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی در بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی گفت: در انجام این نوع عمل جراحی که جراحی بسیار پیچیده و دشواری است، تجربه و مهارت تیم پزشکی بیمارستان کتار وجود تجهیزات پزشکی مدرن بسیار حائز اهمیت است. وی با بیان این‌که تاکنون چندین عمل جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی با موفقیت در بیمارستان دکتر فیاض بخش تهران متعلق به سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است، گفت: این بیمارستان که در یک منطقه کارگری تهران واقع شده؛ عمدتاً محل مراجعات درمانی بیمه‌شدگان و بازنشستگان تأمین اجتماعی

جدیدترین روش جراحی بازسازی لیگامان صلیبی قدامی (ACL) که سیستم بدون پیچ نامیده می‌شود و به تازگی از سوی یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی ابداع شده است، در بیمارستان شهید دکتر فیاض بخش تهران متعلق به سازمان تأمین اجتماعی در حال انجام است. دکتر محمدتقی خسروانی مقدم جراح زانو و ارتوپد بیمارستان فیاض بخش تهران و سرپرست تیم انجام این جراحی در مورد این تکنیک نوین جراحی گفت: این تکنیک که سیستم بدون پیچ (SLS) نامیده می‌شود برای اولین بار در کشور از سوی یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی ابداع و تجهیزات موردنیاز آن ساخته شده و طی ۲ ماه گذشته بیش از ۵۰ مورد از این نوع عمل جراحی، در بیمارستان فیاض بخش انجام شده است. وی افزود: در روش‌هایی که در حال حاضر برای این عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد، معمولاً تا نندون‌های پشت ران (هامسترینگ) بیمار استفاده می‌کنند و ۲ تا نندون از بیمار برداشته می‌شود که عارضه این روش آن است که تا نندون‌های هامسترینگ تا ۲۵ درصد ضعیف می‌شوند. دکتر خسروانی مقدم همچنین گفت: در تکنیک جدید به جای ۲ تا نندون از یک تا نندون هامسترینگ استفاده می‌شود و درد پس از عمل جراحی کمتر از روشی است که تاکنون انجام می‌شده است. علاوه بر این بیمار پس از عمل زودتر توان خود را به دست می‌آورد. وی تأکید کرد: در روشی که در حال حاضر رایج است در استخوان درشت نی پیچ‌های کار گذاشته می‌شود ولی در روش S.L.S پیچی وجود ندارد و از یک وسیله به‌نام Button Dish که توسط یک شرکت دانش‌بنیان داخلی تولید شده است، استفاده می‌شود. به گفته این جراح زانو؛ از مزایای این تکنیک و

شکر چاق کننده است

۷- شکر انسان را خشن می‌کند. آن‌هایی که بیش از اندازه شکر می‌خورند گرایش زیاد به رفتارهای تهاجمی دارند. مشخص شده است که شکر در اختلال و کم‌توجهی در اطفال نیز تأثیر دارد. یعنی وقتی یک کودک خیلی زیاد شکر بخورد، ممکن است نتواند به‌خوبی تمرکز کند. ۸- شکر خطر ابتلا به آلزایمر را نیز بالا می‌برد. تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده زیاد شکر خطر ابتلا به آلزایمر را نیز بالا می‌برد. یک تحقیق در سال ۲۰۱۳ نشان داد که مقاومت به انسولین و بالا بودن قند خون خطر ابتلا به امراضی مانند آلزایمر را بیشتر می‌کند.

این تحقیق می‌کند که شکر چه نقشی در شکل‌گیری حجرات [سلول‌های] سرطان خواهد داشت. او احتمال می‌دهد که در بسیاری موارد، استفاده زیاد شکر باعث سرطان می‌شود. او توصیه می‌کند که مصرف شکر تا حد ممکن کم شود. ۶- شکر باعث پیری زودرس می‌شود. دلیل این که شکر باعث پیری زودرس می‌شود، در واکنش آنزیمی قندها با پروتئین‌ها نهفته است. دلیل آن چسبیدن مولکول‌های شکر در رشته‌های کلاژن پروتئین است که باعث سخت شدن بافت‌های این حجرات می‌گردد. در نتیجه رشته‌های کلاژن شکل طبیعی خود را از دست می‌دهند.

خوردن زیاد شکر سیستم ایمنی بدن را در مبارزه با عوامل امراض ضعیف می‌کند. اندکی پس از خوردن شکر، سیستم ایمنی بدن ۴۰ درصد ضعیف می‌شود. گذشته از این، شکر ویتامین سی را از بدن می‌گیرد، ویتامینی را که حبه‌های [گلبول‌های] سفید خون برای مبارزه با باکتری‌ها به آن نیاز دارد. شکر همچنین احتمال عفونت را در بدن زیاد می‌کند. ۵- شکر خطر ابتلا به سرطان را بالا می‌برد. حبه‌های تومور برای تزیید و تکثیر خود به شکر زیاد نیاز دارند. یک تیم بین‌المللی دانشمندان در مکتب طبی هاروارد زیر رهبری پروفیسور لوس کانتلی راجع به

استفاده نکنید. اگر یک تا دو روز دچار سردرد و کج خلقی شدید و یا اشتهایتان به خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های شیرین زیاد شد، بفهمید که این نشانه اعتیاد به شکر است. ۳- شکر فلور روده را نابود می‌کند. فلور صحتمند، روده را در عمل هضم کمک کرده و جهاز هاضمه را در مقابل باکتری‌های مضر حفاظت می‌کند. به هر اندازه که شکر زیاد به روده‌ها برسد، به همان اندازه باکتری‌های مضر در روده بیشتر می‌شوند. انگل‌ها عاشق شکر هستند. شکر همچنین انسداد و اسهال را نیز تشدید می‌کند. ۴- شکر سیستم ایمنی بدن را ضعیف می‌کند.

شکر از دو تا پنج برابر بیش از نشاسته مو و در بدن چربی تولید می‌کند. با خوردن شکر دقیقاً حبه‌های [سلول‌های] چربی را تقویت می‌کنیم. علاوه بر آن، ماده قندی در جگر نیز وارد عمل متابولیسم شده و احتمال ایجاد چربی جگر را افزایش می‌دهد. در نهایت شکر باعث مقاومت انسولین و دیابت نوع ۲ خواهد شد. *شکر می‌تواند اعتیادآور باشد. دست کم مغز افرادی که اضافه‌وزن دارند در برابر شکر مانند الکل و دیگر مواد اعتیادآور عکس‌العمل نشان می‌دهد. خودتان آزمایش کنید: برای ده روز از نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های دارای شکر

نارسایی قلبی چیست؟

- ۱- وجود نقص قلبی از زمان تولد.
- ۲- عفونت قلب یا دریچه‌های قلب.
- ۳- پرفشاری خون.
- ۴- بیماری دریچه‌ای قلب.
- ۵- بیماری عضلانی قلب.
- نارسایی احتقانی قلب چگونه درمان می‌شود؟
- ۱- استراحت.
- ۲- مصرف کمتر نمک و غذاهای حاوی نمک.
- ۳- کم‌کم است در برخی موارد انجام عمل جراحی ضروری باشد.
- ۴- ممکن است جهت تقویت قلب شما پزشک شما داروهایی تجویز نماید و یا جهت دفع آب اضافی به شما قرص‌های مخصوص دفع آب یا ادرارآور بدهد.
- من چه کنم؟
- ۱- پیروی از دستورات پزشک.
- ۲- مصرف داروها طبق نظر پزشک.
- ۳- توزین روزانه خودتان جهت بررسی افزایش مایع.
- ۴- مصرف رژیم غذایی سالم حاوی مقادیر اندک نمک و چربی اشباع

- چه چیزی ممکن است رخ دهد؟
- ۱- قلب به اندازه کافی خون پمپ نکند.
- ۲- خون به سیاهرگ‌ها برگردد.
- ۳- مایعات بدن افزایش یابد و منجر به تورم پاهایم یا وساق پا گردد. (ادم) نامیده می‌شود.
- ۴- مایعات در بدن تجمع پیداکنند.
- ۵- مایعات در ریه جمع شوند که به آن (ادم ریوی) گفته می‌شود.
- ۶- سلول‌های بدن خون، اکسیژن به اندازه کافی دریافت نکنند.
- علائم نارسایی احتقانی قلب چیست؟
- ۱- تنگی نفس به ویژه به هنگام دراز کشیدن.
- ۲- تورم پاها و ساق پا.
- ۳- اختلالات شناختی یا عدم توانایی تفکر صحیح.
- ۴- خستگی، احساس بی‌حالی و نوزاری.
- ۵- افزایش وزن بدلیل جمع شدن مایع.
- علائم نارسایی احتقانی قلب چه هستند.
- ۱- عدم اجازه به جریان خون کافی از قلب ناشی از انسداد سرخرگ‌ها
- ۲- آسیب به عضله قلبی ناشی از حمله قلبی پیشین.

افراد بسیاری با نارسایی احتقانی قلب زندگی می‌کنند. نارسایی احتقانی قلب یکی از شایع‌ترین علل مراجعه به بیمارستان‌ها در افراد بالای ۶۵ سال و بزرگتر است. سالها طول می‌کشد تا نارسایی قلبی ایجاد شود. در نتیجه اگر شما هم اکنون مبتلا به آن هستید باید از همین امروز تغییراتی را در شیوه زندگی خودتان جهت پیشگیری از آن ایجاد کنید. علائم نارسایی قلبی در طول هفته‌ها و ماه‌ها متعاقب با ضعیف‌تر شدن قلب و توانایی کمتر آن برای پمپ کردن خون متناسب با نیازهای بدن ایجاد می‌شوند. نارسایی قلب اغلب منجر به بزرگ شدن قلب (بطن چپ) می‌شوند. آیا قلب شما ایستاده است؟ ابتلا به نارسایی قلبی به معنی ایستادن قلب از ضربان نیست بلکه به این مفهوم است که قلب شما به شکل موثری، خون را پمپ نمی‌کند. قلب کار می‌کند اما نیاز بدن به خون و اکسیژن تأمین نمی‌شود. نارسایی قلبی در صورت عدم درمان بدتر می‌شود. رعایت دستورات پزشک بسیار مهم است. اگر شما در شیوه زندگی خودتان تغییرات سالمی را انجام دهید، احساس بهتری خواهید داشت و از زندگی لذت بیشتری می‌برید.

حسن صادقی: علمای علم اقتصاد سرگیجه شده اند از این مدیریت ها!

قدرت خرید کارگران و بازنشستگان ۶۳ درصد کمتر شده / سفره ها ۳۰۲ درصد کوچکتر؟!!



در این اقتصاد هر دم بیلی وهرج وهرج شما قدرت تصمیم گیری صحیح را نداری و نمی توانی درست و به موقع تصمیم بگیری. علمای علم اقتصاد سرگیجه گرفته اند از این مدیریت ها.

داری چرا فقط نکات منفی را اجرا می کنی اگر براساس مدل خاصی مالیات می گیری و... باید افزایش حقوق را هم براساس همان مدل مد نظر قرار بدهی نه اینکه سنگ افزایش حقوق را بپندی واسب لجام گسیخته توروم را رهائی شما چرا یک روی سکه را می بینید هردوروی آن را ببینید و صندوق بین المللی پول را ببینید اگر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای مالیات نسخه می پیچد آن طرف هم برای رفاه و آسایش جامعه نسخه می پیچد و آسایش و رفاه جامعه را می کشد و آسایش خودت و خانواده ات را در نظر می گیری و آنچه را که به نفع خودت هست در نظر می گیری اینها مشکل ماست نمی

دائیم که اقتصاد ما شتر گاوپلنگ است در این مدل اقتصادی نه مدل اسلامی رعایت می شود و نه مدل تعریف شده در قانون اساسی مدل بانک جهانی را بنام مدل اسلامی به جامعه معرفی می کنند و این طرفش را که به رفاه نیروی کار و تامین امنیت شغلی و اقتصادی اشاره دارد نادیده می گیرند و از طرفی هم ادعای مدل اقتصاد اسلامی داری اما حقوق نیروی کار را که در روایات و احادیث و از قول ائمه آورده شده و بر آن تاکید کرده اند را رعایت نمی کنی و مد نظر قرار نمی دهی. در این اقتصاد هر دم بیلی وهرج وهرج شما قدرت تصمیم گیری صحیح را نداری و نمی توانی درست و به موقع تصمیم بگیری. علمای علم اقتصاد سرگیجه

به آن صحبت کرده است. که شامل تعاونی خصوصی و دولتی می شود. سوال اینجاست که مامبتنی بر کدام شاخص و معیار این مدل ۳٪ از کل اقتصاد کشور را اداره می کنیم. اگر تعاونی است چرا ۵٪ از کل اقتصاد در حوزه تعاونی دارد فعالیت می کند. اگر بخش خصوصی است چرا این بخش فقط ۲۵٪ از فعالیت های اقتصادی را به خودش اختصاص داده است. اگر بخش دولتی است این بخش دولتی کجاست لطفاً به ما نشان بدهید اگر ۷۰٪ اقتصاد کشور در بخش دولتی است چرا بخش اعظم و قابل توجهی از کارگران ما تحت عناوین دیگری مشغول بکار و فعالیت هستند. معیارهای دولت مبتنی بر این ۳٪ ضلع نیست در حالیکه شعار اقتصاد اسلامی را می دهد عملاً در زمین بانک جهانی و سازمان فائودارد بازی می کند و از نسخه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول استفاده می کند طبیعتاً است که وقتی شما این نسخه را اجرا می کنید باید تمام موءلفه های آن را رعایت کنید این نسخه نکات مثبت هم

گرفته اند از این مدیریت ها. اگر قدرت خرید کارگرو بازنشسته را بالا ببری عرضه و تقاضا متعادل می شود و جامعه به سمت رفاه پیش می رود و تولید رشد پیدا می کند و به سمت بازارهای فرامرزی حرکت می کنی و صادرات افزایش پیدا می کند. ولی شما خودت را درگیر مسائل کوچکی که به ظاهر علمی به نظر می رسد می کنی ولی علمی نیست مسائل سنتی است و در دور باطل خودت را گرفتار کرده ای می دوی ولی انگار روی تردمیل می دوی و در نقطه صفر قرار داری. و در یک چرخه باطل خودت را گرفتار کرده ای!! در خصوص دستمزد سال ۲۰۳ اتحادیه چه طرح و برنامه ای دارد ما آماده هر نوع کمک فکری به دوستانمان، نمایندگان کارگر در شورایی کار هستیم اتحادیه معتقد است که همه ما باید به نمایندگان کارگران در شورایی کار خوراک فکری بدهیم اما اگر در آن سوری قضیه مجلس و دولت تلاش کنند که چرخه افزایش حقوق را بر مبنای چرخه سال گذشته بنا نهند و هدایت کنند به نظر می رسد که نمایندگان

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان با اظهار تاسف از وضعیت معیشتی مستمری بگیران؛

تقاضای وام برای خرید برنج و سنگ قبر / اوضاع بازنشستگان خیلی بد است؟!!

بازنشستگان پرداخت می شود هم نمی تواند نیاز درمان آن ها را رفع کند. تامین اجتماعی نزدیک به ۵۰ درصد از هزینه بیمه تکمیلی بازنشستگان را پرداخت می کند و باقی از حساب بازنشسته پرداخت می شود. در حال حاضر بیش از ۱۵۲ هزار تومان از حساب بازنشستگان کم می شود اما خدمات خوبی بابت بیمه تکمیلی به بازنشستگان ارائه نمی شود و نارضایتی صد درصدی وجود دارد.

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: پولی که طی چند ماه اخیر از حقوق بازنشستگان برای خدمات بیمه تکمیلی کسر شده، به حساب آتیه سازان حافظ واریز نشده و به همین دلیل است که آتیه سازان نمی توانند از پس تعهدات خود در قبال درمان بازنشستگان بر بیایند.

وی تاکید کرد: وضعیت خدمات درمانی بازنشستگان هر روز بدتر می شود، در حالیکه همانطور که گفتیم طبق قوانین، خدمات درمان باید رایگان ارائه شود. در بایگی در ادامه در مورد بحران معیشت کارگران و بازنشستگان گفت: آقای وزیر در مصاحبه خود بارها مطرح کرده اند که دستمزد کارگران و بازنشستگان تورم زاست؛ فارغ از اینکه این استدلال از اساس بی پایه است باید بگوییم که درخواست ما اجرای قانون است و نه چیزی دیگر. قانون می گوید دستمزد باید مطابق با تورم و سید معیشت تعیین شود اما به بهانه تأثیر دستمزد بر نرخ تورم قانون را کنار گذاشته اند.

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور افزود: در چنین شرایطی از دستمزد منطقه ای می گویند؛ درست است که در قانون از تعیین دستمزد برای نقاط و صنایع مختلف صحبت شده است، اما وقتی ماده ۴۱ قانون و تعیین دستمزد بر اساس نرخ تورم و سید معیشت را کنار می گذارید چگونه می خواهید مزد منطقه ای را اجرا کنید؟ حداقل حقوق یک کارگر امسال باید به بیش از ۱۵ میلیون تومان می رسد، اما نهایتاً ۸ میلیون تومان تعیین شده است که این دستمزد حتی برای روستاها هم بسیار پایین تر از حدی است که بتواند نیازهای یک خانواده ۳۳ نفری را تأمین کند.

در بایگی گفت: بارها شنیده ایم که می گویند کارفرمایان نمی توانند هزینه حقوق کارگر را بدهند، مقرر این وضعیت کارگران و بازنشستگان نیستند، بلکه سیاستهای کلان اقتصادی است. دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: حتی دولت حاضر نیست اقدامات جبرانی برای بهبود نسبی معیشت کارگران و بازنشستگان انجام دهد. از دولت و مجلس می خواهیم که بحران معیشت کارگران و بازنشستگان را جدی بگیرند و برای حل آن قدم بردارند. در بایگی در پایان به تأثیر سرکوب مزد بر رکود اقتصادی اشاره کرد و گفت: ما هم دچار تورم و هم رکود هستیم؛ کارگران توانایی خرید آنچه خود تولید می کنند را ندارند. در نتیجه باید قدرت خرید کارگران را با افزایش دستمزد مطابق قانون بالا برد، تا راه برای خروج از این بن بست رکود تورمی باز شود.

وام نشوند. نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور افزود: حدود ۸۰ درصد از کارگران کشور و حدود ۷۵ درصد از بازنشستگان حداقل بگیر هستند و حقوق آن ها کفاف ۱۰ درصد از نیازهای زندگی آن ها را هم نمی دهد. در چنین شرایطی مشخص است که کارگر و بازنشسته برای تأمین هزینه روزمره خود مجبور به قرض کردن و گرفتن وام می شود. بازنشسته ای که بیش از ۶۰ سال سن دارد، فرزند دانشجو دارد و باید هزینه تأمین کند و از طرفی خرج دوا و درمان بدهد، چگونه می تواند با حقوق ماهی ۷-۸ میلیون تومان زندگی کند؟ در بایگی تاکید کرد: وامی که امروز در اختیار برخی از بازنشستگان، آن هم با شرایط دشوار قرار می گیرد، واقعاً ناچیز است و اصلاً چیزی شبیه شوخی است. ۲۰ میلیون تومان مشکل بازنشستگان را حل نمی کند.

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: تاسف بارتر اینکه همین وام ۲۰ میلیون تومانی را هم از کارگران دریغ می کنند. در حالیکه بانک رفاه متعلق به کارگران و بازنشستگان است و بهره مندی از خدمات این بانک کمترین حق آن هاست. البته باید تاکید کنم که مشکل عملکرد بانک رفاه نیست، بلکه بانک مرکزی و وزرای اقتصاد و کار معتقدند که با پرداخت وام به کارگران و بازنشستگان پول به جامعه پمپاژ می شود و این سبب بالا رفتن نرخ تورم می شود.

وی گفت: مسئله این است که اگر کارگران و بازنشستگان حقوق و مستمری کافی داشتند دیگر چه نیازی به وام بود؟ دولت از یک طرف حاضر نیست حقوق را مطابق با نرخ تورم و سید معیشت افزایش دهد و از طرفی دیگر با آوردن بهانه هایی چون افزایش نقدینگی و افزایش نرخ تورم، حاضر نیست از کارگران و بازنشستگان حمایت کند. نتیجه ی چنین وضعیتی بحران معیشتی کارگران و بازنشستگان است. در بایگی تاکید کرد: اجرای هدفمندی یارانه ها، حذف ارز ترجیحی، افزایش نرخ ارز و... از عوامل افزایش نرخ تورم است، نه پرداخت ۲۰ میلیون تومان وام به کارگر و بازنشسته ای که نمی تواند هزینه ی خورد و خوراک ماهانه ی خانواده ی خود را تأمین کند.

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور در بخش دیگری از صحبت های به مسئله ی درمان کارگران و بازنشستگان اشاره کرد و گفت: براساس قانون اساسی و قانون الزام، درمان باید رایگان باشد. سازمان تامین اجتماعی باید بستری فراهم کند که بیمه شدگان و بازنشستگانی که پیشاپیش هزینه ی درمان را از حقوق خود پرداخت کرده اند، از خدمات درمان با کیفیت و رایگان بهره مند شوند، اما نه تنها این اتفاق نمی افتد، که حتی برای بهره مندی از خدمات درمانی بیمارستان های تامین اجتماعی گاهی حتی، بیمه شده مجبور به پرداخت زیرمیزی به پزشکان می شوند. چرا بازنشسته برای انجام عمل جراحی در بیمارستان تامین اجتماعی باید زیرمیزی بدهد؟ در بایگی گفت: در کنار این مسائل حتی پولی که بابت بیمه تکمیلی از حساب



نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان کشور می گوید: وقتی بازنشسته برای خرید برنج و مایحتاج خانواده خود، یا برای تأمین هزینه های درمان و یا خرید سنگ قبر همسر خود به ما مراجعه می کند و وام می خواهد، یعنی اوضاع خیلی بد است.

نصراالله در بایگی اضافه کرد: حقوق ها و مستمری های ناچیز، هزینه های سنگین درمان و حمایت های محدود، کارگران و بازنشستگان را در وضعیت بحران قرار داده است. در چنین شرایطی حتی در کلام مسئولان مرتبط هم خبری از تغییر سیاست ها برای بهبود اوضاع معیشت نیست. تکرار استدلال هایی چون تأثیر دستمزد بر افزایش نرخ تورم و مطرح کردن موضوعاتی چون دستمزد منطقه ای و تکرار سیاست هایی که به ناکارآمدی سیستم درمان کارگران و بازنشستگان می انجامد، نشان از بی توجهی مسئولان به بحران زندگی کارگران و بازنشستگان دارد.

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: علی رغم اینکه مسئولان شعار حمایت از قانون می دهند اما قانون اجرا نمی شود. کارگران و بازنشستگان در بدترین شرایط معیشتی به سر می برند و عدم اجرای قانون کار و تامین اجتماعی به این اوضاع نابسامان دامن زده است.

وی گفت: در توضیح معیشت کارگران و بازنشستگان باید بگوییم کسانی که برای وام به ما مراجعه می کنند، هدفشان از گرفتن وام، تامین حداقلی ترین نیازهای زندگی شان است؛ وقتی بازنشسته برای خرید برنج و مایحتاج خانواده خود، یا برای تأمین هزینه های درمان و یا خرید سنگ قبر همسر خود به ما مراجعه می کند و وام می خواهد، یعنی اوضاع خیلی بد است.

در بایگی ادامه داد: این ها حداقلی ترین نیازهایی است که باید با همان حقوق و مستمری ماهانه تأمین شود، نه اینکه کارگر و بازنشسته برای تأمین آن به صد نفر رو بیندازد و وام بخواهد و در آخر هم خیلی هایشان موفق به دریافت

مجلس افزایش سن بازنشستگی را تصویب و شورای نگهبان تایید کرد! امیدمان به آیت الله است!



مجلس شورای اسلامی پس از حرف و حدیث های بسیارافزایش سن بازنشستگی را تایید کرد تا شاید بحران صندوق های بازنشستگی کمی فروکش کند! آمارهای ارایه شده حاکی از اوضاع وخیم صندوق های بازنشستگی است و کارشناسان و نمایندگان مردم امیدوارند با افزایش سن بازنشستگی تا حدی از فشارها بر صندوق ها کاسته شود! مصوبه مجلس ازسویی موجی از نارضایتی ها را در پی داشته و تشکل ها و کارگران در اظهارات و بیانیه های خود به این مصوبه اعتراض و نسبت به عواقب آن هشدار داده اند! زمانی که مصوبه به شورای نگهبان رفت؛ آیت الله آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع فعالان کارگری مازندران از مصوبه مجلس انتقاد کرده و به نوعی به جامعه کارگری پیام داد که افزایش سن بازنشستگی تصمیمی شتابزده بوده و کارشناسان این گونه استنباط کردند که شاید شورای نگهبان درباره این مصوبه تصمیمی دیگر اتخاذ کند!

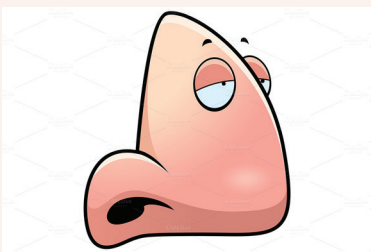
همه نگاه ها متوجه شورای محترم نگهبان بود تا شاید مصوبه افزایش سن بازنشستگی به تایید این شورا نرسیده و موضوع به گونه ای دیگر پیگیری و تصمیم گیری شود!

حال شورای محترم نگهبان تصمیم مجلس را تایید نموده و آخرین ایستگاهی که کارگران به آن امید بسته اند؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام است!

تهران گردی بازنشستگان تأمین اجتماعی عضو اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به همت دبیر کل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان و تلاش اعضای کمیته سفرهای این اتحادیه



بخشید دماغ شما چند متر است؟



فلان آدم معروف یا غیر معروف از «سه پرسش سقراطی» استفاده کنید. هر زمان که کسی خواست مطلبی را بگوید یا شما مطلبی را بگویید این تکنیک را به کار ببرید. یک روز فرد بزرگی که از آشنایان سقراط بود، با هیجان آمد پیش او و گفت: میدانی راجع به یکی از شاگردانت چه شنیده ام؟

سقراط پاسخ داد: قبل از آن سه سوال از تو می پرسم. اولین سوال این است که کاملاً مطمئن هستی که آنچه را که می خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟ مرد جواب داد: نه. فقط در موردش شنیده ام.

حالا سوال دوم؛ آنچه را که در مورد شاگردم می خواهی به من بگویی خبر خوبی است؟ مرد جواب داد: نه! سقراط گفت: پس می خواهی خبری بد در مورد شاگردم که حتی در مورد آن مطمئن هم نیستی بگویی؟

و اما سوال سوم؛ آن چه را که می خواهی در مورد شاگردم به من بگویی برای من فایده ای هم دارد؟ مرد کمی فکر کرد و پاسخ داد راستش نه! سقراط گفت: اگر می خواهی به من چیزی را بگویی که نه حقیقت دارد و نه خوب است و نه حتی سودمند است پس چرا اصلاً آن را به من می گویی؟!

این سه سوال به ترتیب پرسش حقیقت، پرسش خوبی، پرسش سودمندی نام دارند و دیسپیلین شخصی در عرصه رسانه ای یعنی اینکه من با این سه پرسش، دماغ خودم را کوتاه کنم.

که منجر به آن رفتار شده در مورد او قضاوت کنیم. اما آیا این «هتاکي جمعی هنجار شده» به نفع من و شما و نسل آینده است؟ جامعه ای با دهان های گشاد و دماغ های بزرگ، جامعه کامیاب و شاد می خواهد بود. امروز پرده از زندگی من برداشته می شود و فرداً قطعاً نوبت شماست.

تحلیل و تجویز راهبردی: تکنولوژی و رسانه ها دسترسی ما را به اطلاعات به شدت گسترش داده اند اما انکار که دکمه بمب اتم را گذاشته باشی زیر دست یک انسان نخستین. خاصیت تکنولوژی برطرف کردن محدودیت هاست.

در ازای هر تکنولوژی ای که خلق می شود و به کار گرفته می شود حداقل یک محدودیت از پیش روی آدمی کم می شود و دقیقاً همین جاست که ما محتاج آنیم که چیزی این مساله را مهار کند و متوازن کند؛ یعنی هر چقدر این محدودیت ها کمتر و کمتر می شود باید چیزی وجود داشته باشد که این انسان آزادتر نشده را مهار و محدود کند؛ دیسپیلین شخصی.

به عبارت دیگر، به ازای هر آزادی که فناوری به ما می دهد باید یک قاعده اخلاقی در ما نهادینه شود.

برای تمرین دیسپیلین شخصی در حوزه رسانه (کاهش میزان فرو کردن دماغ در زندگی شخصی سایرین) تکنیک سه پرسش سقراطی بسیار مفید است.

هر زمان که تیرتی دیدید در مورد رسوایی زندگی شخصی

دکتر مجتبی لشکرلوکی
 نشر: گاهنامه مدیر

لحظه ای با خود خلوت کنید و به این سوال صادقانه (تاکیدی می کنم صادقانه) پاسخ دهید: کدامیک از ما در زندگی مان مانند یک قدیس معصوم بوده ایم و کاملاً پاک، بدون خطا و اشتباه بوده ایم؟! همه ما در برهه هایی از زندگی کارهایی کرده ایم که بعدها آرزو کرده ایم کاش هیچوقت آن ها را انجام ن داده بودیم. تلاش می کنیم که آن ها را از حافظه خود نیز پاک کنیم. یکی در بخشی از زندگی اش سیگاری بوده، یا شیشه می کشیده. فرد دیگری در زندگی اش چند باری تقلب کرده. بخشی دیگر روابطی داشته که به خانواده اش منتقل نکرده. فرد دیگری یک بیماری دارد که هیچکس جز اعضای خانواده اش نمی دانند.

اما شبکه های اجتماعی به جای الخطا بودن انسان ها احترامی نمی گذارند. کافی است اشتباه کوچکی از شما سر بزند، دیگر باید منتظر باشی که روزی کسی آن را منتشر کند و شما را به نابودی بکشاند. اگر فرد مشهوری باشی که اوضاع خیلی خیلی بدتر می شود. همه ما به خودمان حق می دهیم که دماغ مان تا هر جا که می توانیم در زندگی فرد مشهور فرو کنیم و از آن بدتر به خودمان حق می دهیم که هر چه فهمیدیم را سخاوتمندانه و پیروزمندانه با دیگران به اشتراک بگذاریم و از این دو بدتر اینکه بدون اطلاعات کافی در مورد زمینه و شرایطی

درست آن است که آموزش و پرورش، آموزش عالی و صدا و سیما با بودجه های هزار میلیاردی در من و شما این دیسپیلین شخصی را ایجاد کنند. ادبستان که بعدها شند دیستان، در اصل هدف اصلی اش همین آموزش دیسپیلین شخصی یعنی حد نگهداشتن و مودب شدن بود که متأسفانه فروکاسته شد به خواندن و نوشتن.

وظیفه جمعی ما این است که نقصان های اساسی سیستم آموزشی و رسانه ای (شامل آموزش و پرورش، آموزش عالی و صدا و سیما) را جبران کنیم. حال که این سیستم ها در خلق یک فرهنگ درست درمانده اند، باید خودمان دست به کار شویم و دیسپیلین شخصی را ابتدا در خودمان و سپس در نسل بعدی تمرین کنیم و پایدار کنیم.

«هتاکي جمعی هنجار شده» را باید تبدیل کنیم به «جامعه ای با دهان ها و دماغ های با دیسپیلین». مقدمات کامیابی را تمرین جمعی کنیم.